

۱- با توجه به معنی داخل کمانک چند واژه نادرست معنا شده است؟

- (کنگره: برآمدگی طاق) (تسلّا: آرامش) (عیال: زن و فرزند) (خطابه: سخنرانی) (خیل: زیاد) (شندرغاز: پولی اندک)
(رندانه: زیرکانه) (میراب: نگهبان آب) (دین: وام) (غوک: قورباغه)
- (۱) چهار (۲) پنج (۳) سه (۴) دو

۲- معنای کلمات زیر به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

«بیرنگ، غارب، گرده، بیغوله، بحران»

- (۱) ساده، میان دو کتف، بالای کمر، گوشه‌ای دور از مردم، وضع غیرعادی
(۲) طرح اولیه، برآمدگی زیر گردن، پشت، کنج، آشفتگی
(۳) طرح اولیه، میان دو کتف، پشت، کنج، آشفتگی
(۴) ساده، برآمدگی زیر گردن، بالای کمر، گوشه‌ای دور از مردم، وضع غیرعادی

۳- معنی بخش مشخص شده در کدام گزینه صحیح نیست؟

- (۱) از فضل و رحمت کردگار جلّ جلاله و عم نواله ناامید نباید شد: شکوه او بزرگ و لطف او فراگیر است.
(۲) و دلّاک و قیّم درآمدند و خدمت کردند: کیسه کش و حمّامی آمدند و کیسه کشیدند.
(۳) چنانکه در کرامت و فراغ به پارس رسیدیم: با عزّت و آسایش به ایران رسیدیم.
(۴) چون از در در رفتیم گرمابه‌بان و هر آنچه در آنجا بودند همه بر پای خاستند: وارد شدیم.

۴- در همه گزینه‌ها به جز گزینه غلط املائی دیده می‌شود.

- (۱) رعشه و لرزش، حرمت فامیل و غرابت خویش، حیاط و حوض آب، سراسیمه جیغ کشیدن
(۲) قرض و دین، غیاث و سنجیدن، بر پای خاستن و ایستادن، مسلخ گرمابه
(۳) بیغوله و کنج، یال و غارب، تصلای غم غرّبت، علم کردن و برپا کردن
(۴) خبردار شدن شست، تلاطم امواج، غلغله‌زن و شور و غوغاکنان، ورطه و هلاکت

۵- در کدام گزینه با توجه به معنی داخل کمانک املائی واژه‌ای نادرست به کار رفته است؟

- (۱) (مرمت: اصلاح) (گسیل کردن: روانه کردن) (رقعه: نامه) (نمط: روش)
(۲) (بُر خوردن: در میان قرار گرفتن) (قیاس: سنجیدن) (مولع: حریص) (نیکو منظر: خوش چهره)
(۳) (زهی: آفرین) (فروغ: روشنایی) (غلغله: شور و غوغا) (خیره: بیهوده)
(۴) (انعام: بخشش) (فضل: دانش) (ادیب: دانشمند) (غرابت: خویشاوندی)

۶- آرایه بیت زیر در کدام گزینه نیامده است؟

- ما گرچه مرد تلخ شنیدن نه ایم لیک / تلخی که از زبان تو آید شنیدنی است
(۱) به زبان چرب ای جان بنواز جان ما را / به سلام خشک خوش کن دل ناتوان ما را
(۲) دل در طلب خنده شیرین تو خون شد / جان در طوع لعل شکر خای تو افتاد
(۳) نشئه دیدار ساقی رونق مستی شکست / هیچ کس بویی ز می در شیشه و ساغر ندید
(۴) نرفتم به محرومی از هیچ کوی / چرا از در حق شوم زرد روی

۷- در کدام بیت شاعر از آرایه «تمثیل» بهره برده است؟

- ۱) ز اندازه بیرون تشنه‌ام ساقی بیار آن آب را / اول مرا سیراب کن وان که بده اصحاب را
- ۲) من نیز چشم از خواب خوش بر می‌نکردم پیش از این / روز فراق دوستان شب خوش بگفتم خواب را
- ۳) مقدار یا همنفس چون من نداند هیچ کس / ماهی که بر خشک او فتد قیمت بداند آب را
- ۴) فریاد می‌دارد رقیب از دست مشتاقان او / آواز مطرب در سرا زحمت بود بؤاب را

۸- نوع حذف فعل در کدام گزینه متفاوت با دیگر گزینه‌هاست؟

- ۱) ور هنری داری و هفتاد عیب / دوست نبیند مگر آن یک هنر
- ۲) صبر بر قسمت خدا کردن / به که حاجت به ناسزا بردن
- ۳) زبان در دهان ای خردمند چیست / کلید در گنج صاحب هنر
- ۴) هر که در سایه عنایت اوست / گنهش طاعت است و دشمن دوست

۹- در کدام بیت‌ها به ترتیب «و» عطف، «و» پیوند و «و» عطف دیده می‌شود؟

- الف) روزها فکر من این است و همه شب سخنم / که چرا غافل از احوال دل خویشتم
 - ب) بر خاک بیفتاد و بغلتید چو ماهی / آنگاه پر خویش گشاد از چپ و از راست
 - پ) تا بدانی کاندرین سودا چه سود اندوختم / عقل و هوش و جان خریدم، دین و دل بفروختم
 - ت) دوش دیدم که ملائک در میخانه زدند / گل آدم بسرشتند و به پیمان زدن
 - ث) گل در برو و می در کف و معشوق به کام است / سلطان جهانم به چنین روز غلام است
 - ج) دل و دین و عقل و هوشم همه را به آب دادی / ز کدام باده ساقی، به من خراب دادی
- ۱) ت، ث، الف (۲) پ، ب، ت (۳) ج، پ، ت (۴) ج، ث، پ

۱۰- نقش گروه اسمی مشخص در بیت زیر با کدام یک از گروه‌های مشخص شده یکسان است؟

- تشبیه روی تو نکنم من به آفتاب کاین مدح آفتاب نه تعظیم شأن توست
- ۱) آن نه زلف است و بناگوش که روز است و شب است / وان نه بالای صنوبر که درخت رطب است
 - ۲) آتش روی تو زین گونه که در خلق گرفت / عجب از سوختگی نیست که خامی عجب است
 - ۳) جنبش سرو تو پنداری کز باد صباست / نه که از ناله مرغان چمن در طرب است
 - ۴) سخن خویش به بیگانه نمی‌یارم گفت / گله از دوست به دشمن نه طریق ادب است

۱۱- مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

- ۱) بر راستی بال نظر کرد و چنین گفت / امروز همه روی زمین زیر پر ماست
- ۲) چون بگشایم ز سر مو شکن / ماه ببیند رخ خود را به من
- ۳) نعره برآورده فلک کرده کر / دیده سیه کرده شده زهره در
- ۴) گفت در این معرکه یکتا منم / تاج سر گلبن و صحرا منم

۱۲- مفهوم کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- (۱) به قامت خوش خوبان نگاه می‌کردم / لباس حُسن تو دیدم به قد هر یک راست
- (۲) جمله ذرات جهان مرآت اوست / هرچه بینی مصحف آیات اوست
- (۳) از او هرچه بگفتند از کم و بیش / نشانی داده‌اند از دیده خویش
- (۴) گل دفتر اسرار خداوند گشوده است / صحرا ورق تازه‌ای از پند گشوده است

۱۳- مفهوم همه ابیات یکسان است، به جز بیت

- (۱) افتادگی آموز اگر طالب فیضی / هرگز نخورد آب زمینی که بلند است
- (۲) نشکنی تا خویش را از دوست کی یابی نشان / هست پیچیدن کلید قفل این گنجینه را
- (۳) به عزت هر آن کو فروتر نشست / به خواری نیفتد ز بالا به پست
- (۴) صبحدم از عرش می‌آمد خروشی عقل گفت / قدسیان گویی که شعر حافظ از بر می‌کنند

۱۴- عبارت «بدان کوش که به هر محالی از حال و نهاد خویش بنگردی که بزرگان به هر حق و باطلی از جای نشوند» با کدام گزینه تناسب ندارد؟

- (۱) صبر کن بر تلخکامی‌ها که آخر روزگار / چشمه سار نوش سازد بوسه گاه نیش را
- (۲) مایه پرهیزگار قوت صبر است و عقل / عقل گرفتار عشق، صبر زبون هوست
- (۳) دو روزی با غم و رنج حوادث صبر کن بیدل / جهان آخر چو اشک از دیده‌ات یکبار می‌افتد
- (۴) صبر کن ای دل که صبر سیرت اهل صفاست / چاره عشق احتمال شرط محبت و فاست

۱۵- در هر گزینه مفهوم بیت‌ها یکسان است، به جز گزینه

- (۱) از آن صبح نخستین بی‌فروغ است / که لاف روشنی از وی دروغ است
دم صبح کاذب بود زود میر / ولی صبح صادق شد آفاق گیر
- (۲) دنیا نیرزد آنکه پریشان کنی دلی / زنهار بد مکن که نکرده است عاقلی
عیب درویش و توانگر به کم و بیش بد است / کار بد مصلحت آن است که مطلق نکنیم
- (۳) به زیر دلق ملامت کمندها دارند / دراز دستی این کوتاه آستینان بین (ملمع: رنگارنگ)
جو فروش است آن نگار سنگدل / با من او گندم نمایی می‌کند
- (۴) تا به گریبان نرسد دست مرگ / دست ز دامن نکنیمت رها
تا نگردی بی‌خبر از جسم و جان / کی خبر یابی ز جانان یک زمان

۱۶- معانی واژه‌های «مولع، مرمت، فراغ، فروغ» در کدام گزینه به ترتیب آمده است؟

- (۱) شیفته، جوانمردی، جمع فرعون، روشنایی
- (۲) آزمند، رسیدگی، پادشاه قدیم مصر، پرتو
- (۳) بسیار مشتاق، اصلاح، پادشاه قدیم مصر، روشنایی
- (۴) آزمندی، اصلاح، جمع فرعون، پرتو

۱۷- در همه گزینه‌ها معنی دو واژه در کمانک روبه‌روی آن به جز گزینه

- (۱) (آخره: قوس زیر گردن) (رعنا: پرنقش) (ئشن: تره‌بار) (گرده: بالای کمر)
- (۲) (تازی: عرب) (یله: تکیه دادن) (قفا: پشت گردن) (پلاس: نوعی گلیم پُربها)
- (۳) (فضل: نیکویی) (بیشه: نزار) (خورجینک: جامه‌دان) (در حال: درنگ)
- (۴) (خیل: رسته) (خطابه: وعظ کردن) (بهایم: چارپا) (شکن: پیچ و خم زلف)

۱۸- معنی چند واژه در کمانک روبه‌روی آن درست آمده است؟

- (زهی: آفرین) (پیرایه: زیبا) (معرکه: رزمگه) (هنگامه: شلوغ) (اهلیت: شایستگی) (کُله: پای اسب) (وَقب: چشم)
(فرج: رهایی) (خیره: سرگشتگی) (مستغنی: بی‌نیازی)
- (۱) چهار (۲) پنج (۳) شش (۴) سه

۱۹- در کدام گزینه غلط‌املائی دیده نمی‌شود؟

- (۱) کار ملک را نظام داده آید که نه خُرد ولایتی است خراسان، چون از آن فراغت یابم تدبیر این مملکت کنم.
(۲) در مستی لب مار دم‌بریده مکیدن خطر است و از آن بدتر خدمت و غربت سلاطین.
(۳) عقابی بر مرغان آن نواحی برخواستی و به عزم تفرّج بدان کوه آمدی و کبک‌ها شکار کردی.
(۴) دیانت من، میان او و قرض او جای گرفت و این مکر کرد و نگذاشت مقصود حاصل شود.

۲۰- در کدام گزینه غلط‌املائی کمتری دیده می‌شود؟

- (۱) نقشهٔ قالی، بحران بلوغ، حقارت و خاری، برازنده‌گی و لیاقت، حامل سرمایه
(۲) کینه و بَقض، هق‌هق گریه، عنصرالمعالی، لنگ و پلاس، عَرَض و مقصود
(۳) حلال و حرام، نعره و فریاد، بهر خروشنده، سهمگن و ترسان، غوک و قورباقه
(۴) طاقت و هوش، مدهوش و هیران، تسبیه و ستودن به پاکی، عذرخواهی و پوزش

۲۱- آرایهٔ ذکرشده در مقابل کدام گزینه‌ها نادرست آمده است؟

- (الف) از سوز غمت مرغ دلم هر شب و هر روز / با نغمهٔ تو تازه کند نوحه سرایی (تشبیه)
(ب) ای باد صبا تیره مکن ایامم / یک ره برسان بدان صنم پیغامم (تشخیص)
(پ) رسم بدعهدی ایام چو دید ابر بهار / گریه‌اش بر سمن و سنبل و نسرين آمد (تلمیح)
(ت) دیگر مرا به ضربت شمشیر غم بزد / فریاد از این سوار، که صید حرم بزر (مجاز)
- (۱) الف و ت (۲) ب و ت (۳) پ و ب (۴) پ و ت

۲۲- در کدام بیت هر دو آرایهٔ «حس آمیزی و تشبیه» به کار رفته است؟

- (۱) در هر نظر به رنگ دگر جلوه می‌کند / از بس که آن گل رخسار نازک است
(۲) چشم تو آفت است به روی کسی مبین / پای تو نازک است به روی زمین مرو
(۳) کوری بی‌مُت از چشم به مُت خوشترست / گر توانی بوی پیراهن به یوسف باز ده
(۴) می‌شنیدم پیش ازین از خون شمیم نوبهار / بوی خون اکنون به مغز از نوبهار آید مرا

۲۳- نوع حذف فعل در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) من بودم و دل بود و کناری و فراغی / این عشق کجا بود که ناگه به میان جَست؟
(۲) یکی را که سعی قدم پیشتر / به درگاه حق منزلت بیشتر
(۳) ماری تو که هر که را ببینی، بزنی / یا بوم که هر کجا نشینی، بکنی
(۴) روزها فکر من این است و همه شب سخنم / که چرا غافل از احوال دل خویشتم

-۲۴

در همهٔ گزینه‌ها به جز گزینه مفعول دیده می‌شود.

(۱) سماع انس که دیوانگان از آن مستند / به سمع مردم هشیار در نمی‌گنجد

(۲) میاسای ز آموختن یک زمان / به دانش میفکن دل اندر گمان

(۳) من بعد حکایت نکنم تلخی هجران / کان میوه که از صبر برآمد شکری بود

(۴) صوفی بیا که کعبهٔ مقصود در دل است / حاجی به هرزه راه بیابان گرفته است

-۲۵

در کدام گزینه «واو» عطف به کار نرفته است؟

(۱) صائب کنون که دور به کام تو می‌رود / بشکن به ساغری سر و دست خمار را

(۲) عنان میچ که گرمی زنی به شمشیرم / سپر کنم سر و دستت ندارم از فتراک

(۳) بیا که وقت بهارست تا من و تو به هم / به دیگران بگذاریم باغ و صحرا را

(۴) در این روش که تویی بر هزار چون سعدی / جفا و جور توانی ولی مکن یارا